



# دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۲۸۴-۲۷۸۳

- باز آفرینی و باز نویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قلموس نامه - سیاستنامه دهه ۶۰ تا ۹۰
- باز تاب مفاصمین جنگ در شعر کودک و نوجوان دهه های ۸۰ و ۹۰ (با تأکید بر ده شاعر کودک و نوجوان)
- بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بغیر فرمانده بر اساس نظریه ژیلبر دوران
- بررسی تطبیقی الماسه های و کهن الگوهای ایرانی و لهستانی
- بررسی ساختاری هنر شخصیت در داستان های نوجوان محمدرضا پیرامی
- بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک
- بررسی مؤلفه های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و الماسه شعبان نژاد)
- تأثیر لعه گوئی الکترونیکی بر رشد مهارت های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم توان ذهنی
- تحلیل محتوای مفاصمین و ویژگی های داستان رونی یک پیلانو لورت داده با تأکید بر موضوعات تربیتی و آموزشی
- تحلیل نشانه معناشناختی سازه روایی شخصیت در کتاب تصویر سیگانا
- مروری بر اهمیت آموزش کار آفرینی در مقطع ابتدایی
- نگرشی انتقادی به کارکرد زبان در آثار کودکان و نوجوانان

# بررسی مؤلفه‌های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و افسانه شعبان‌نژاد)

مریم علایی<sup>۱</sup> و قدمعلی سرامی<sup>۲</sup>

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی. کارشناس پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان اردبیل.

ایران

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. ایران

## چکیده

ادبیات کودک نقش مهم و مؤثری در پرورش کودکان و نهادینه کردن ارزش‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی دارد. شعر کودک بخش اساسی این نوع ادبیات را تشکیل می‌دهد و به‌عنوان یکی از ابزارهای تربیتی در این میان نقشی مهم ایفا می‌کند. بیان مناسب مضامین تربیتی و مفاهیم ارزشی در قالب شعر نقش انکارناپذیر و به‌سزایی در شکل دادن به شخصیت، ذهن و جهان‌بینی کودک دارد، لیکن یکی از گسترده‌ترین و زیباترین انواع ادبی کودک در ایران، به‌ویژه در دوره معاصر، جلوه ادبیات تعلیمی در آثار کودک است. به‌گونه‌ای که بسیاری از شاعران کودک و نوجوان از میان انواع ادبی به این نوع ادبی توجه شایانی کرده‌اند. «اسدالله شعبانی»، «جعفر ابراهیمی» و «افسانه شعبان‌نژاد» از شاعران شاخص و مطرح حوزه ادبیات کودک و نوجوان هستند که به نقش و اهمیت این مفاهیم پی برده و از آن به‌عنوان ابزاری برای پرورش نسلی پویا، توانمند و ژرف‌اندیش بهره گرفته‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی و بازنمایی عناصر و مؤلفه‌های اجتماعی و تربیتی در آثار و اشعار شاعران یاد شده است. پژوهش پیش رو مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اشعار شاعران مورد مطالعه مبتنی بر مضامین و مؤلفه‌های تعلیمی برجسته و قابل‌پژوهش در حوزه شعر کودک از جمله: همدلی، نوع‌دوستی، صلح‌طلبی، روحیه تلاشگری و وطن‌دوستی است و مفاهیم اجتماعی-تربیتی از جمله مفاهیم کاربردی این سه شاعر است.

واژه‌های کلیدی: شعر کودک، مؤلفه‌های تعلیمی، اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی، افسانه شعبان‌نژاد.

## مقدمه

در طول تاریخ بشر ادبیات همیشه یکی از پرارزش‌ترین و مهم‌ترین الگوهای آموزشی و پرورشی انسان‌ها به‌شمار رفته است. در بین شاخه‌های متعدد ادبیات، ادبیات کودکان و نوجوانان جای خود را در جهان باز کرده است و بخش عظیمی از تربیت آنان را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از مباحث ادبیات کودک در ایران موضوعات و مفاهیم تعلیمی است که مورد توجه بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب کودک و نوجوان قرار گرفته است. «ادبیات تعلیمی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی است که آثار آن دارای ماهیتی میان رشته‌ای هستند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با دانش‌ها و رشته‌های دیگر ارتباط دارند.» (رضی، ۱۳۹۱: ۹۲) در واقع می‌توان گفت: «اثر تعلیمی اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به

شکل ادبی عرضه دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۵۸) بنابراین هدف این نوع ادبیات، آموزش و تربیت است. برای تعلیم و تربیت کودکان آموزش غیرمستقیم همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و در این میان شعر از ابزارهای بسیار کارآمد و مؤثر به‌شمار می‌آید که در تربیت کودک نقش به‌سزایی دارد و زمینه‌های لازم را برای جامعه‌پذیری کودک فراهم می‌سازد. شاعران ادبیات کودک کوشیده‌اند تا با شیوه‌های خلاقانه و غیرمستقیم مفاهیم تعلیمی و اخلاقی را به مخاطب خود منتقل کنند و به‌دلیل علاقه و اشتیاق کودکان به شعر استفاده از این ابزار برای بیان مفاهیم تعلیمی از کارایی بیشتری برخوردار است.

«افسانه شعبان‌نژاد»، «جعفر ابراهیمی» و «اسدالله شعبانی» از مطرح‌ترین شاعران معاصر کودک و نوجوان پس از انقلاب هستند که با انتشار آثاری متعدد جایگاهی تثبیت شده در ادبیات کودک و نوجوان یافته‌اند. این شاعران در گزینش مضامین و محتوا توجه فراوانی به مضامین و آموزه‌های تربیتی متناسب با میزان درک و انگیزه‌های روانی کودک داشته‌اند و در انتقال مفاهیم عالی اجتماعی موفق عمل کرده‌اند.

روش تحقیق در این پژوهش به تناسب موضوع توصیفی-تحلیلی است و سؤال محوری این است که کدام مؤلفه‌های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران مورد مطالعه در پژوهش کاربرد بیشتری دارد؟

ضرورت تحقیق: تحقیق و پژوهش در راستای امر مهم و تأثیرگذاری چون ادبیات کودک از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. از این منظر با توجه به اینکه ادبیات کودک و به‌ویژه آثار شعری اثرگذارترین آثار برای کودک و نوجوان‌اند و نیز با در نظر گرفتن لزوم و اهمیت آشنایی کودک با تعالیم تربیتی و ارزش‌های اجتماعی به‌نظر می‌رسد پژوهش پیش رو تحقیقی مناسب برای نیل به این مهم باشد.

## پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهدی حجوانی (۱۳۹۴) در مقاله «فراز و فرودهای شعر کودک و نوجوان ایران پس از انقلاب» وضعیت شعر کودک و نوجوان ایران را در سه دهه پس از انقلاب توصیف و تحلیل کرده است؛ مصطفی موسوی گرمارودی (۱۳۸۲) در کتاب شعر کودک از آغاز تا امروز ضمن ارائه نمونه‌هایی از شعر کودک، نوعی نگاه آسیب‌شناسانه به موضوع داشته است؛ پروین سلاجقه (۱۳۸۵) در کتاب از این باغ شرقی نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان را ارائه داده است.

## ادبیات و شعر کودک

ادبیات آینه‌ای از تراوش ذهن، احساسات درونی و نیازهای آشنا و ناآشنای بشر است و کودکان به‌عنوان عضوی از جامعه بشری در داشتن آن سهیم هستند. ادبیات کودکان بخش عمده‌ای از رشد فرهنگی و فکری کودکان را برعهده دارد و آن «گونه‌ای از ادبیات است که نیازهای کودک را برای او بیان می‌کند» (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۳۱) و موضوع آن عبارت است از «انعکاس و ارزیابی عالم کودکی و ویژگی‌های زیبایی‌شناسی دراماتیک، کمیک و تراژیک آن» (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۷)، اما «بنیادی‌ترین واقعیت که می‌تواند مبنای هر نظریه‌پردازی در حیطه ادبیات کودک باشد، این است که ادبیات کودک را کودک نمی‌آفریند، هر اثر ادبی هر اثر مکتوب که به گونه‌ای هم‌زمان با عاطفه و شناخت کودک درآمیزد و موفق شود، امکان درهم‌آمیزی افق‌های دید و انتظارات آفریننده خویش و کودک را فراهم کند، ادبیات کودک است.» (خسرونژاد، ۱۳۷۸: ۳۰) دوره کودکی پایه‌ای است که شخصیت جوامع بعدی در آن شکل می‌گیرد. «ادبیات کودکان پدیده‌ای بسیار مهم و زیربنای تحولات ذهنی و فکری و اجتماعی آینده کشور است.» (یمینی شریف، ۱۳۷۱: ۳۹)

«ادبیات کودک از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است، به‌ویژه اینکه باعث تقویت ذوق زیبایی‌شناسی کودک می‌شود، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به آن‌ها انتقال می‌دهد، عواطف، احساسات و تفکر را رشد می‌دهد، به نیازهای رشدی و روانشناسی کودکان پاسخ می‌دهد و فرهنگ و دانش بشری را به آن‌ها معرفی می‌کند.» (پولادی، ۱۳۸۶: ۲۶) زمینه‌سازی برای رشد جنبه‌های

فردی و اجتماعی کودکان و پرورش استعدادهای ذهنی و شکوفایی ذوق آنان از جمله اهداف ادبیات کودکان است. شعر کودک یکی از مهم‌ترین ارکان ادبیات کودک به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یکی از ابزارهای تربیتی در این میان نقشی مهم ایفا می‌کند. آموزه‌ای که در ظرف شعر ریخته می‌شود، می‌تواند عاملی باشد که به جنبه‌هایی از رشد کودک کمک کند. «پیوند میان کودکی و شعر بسیار نیرومند است. بسیاری از شاعران متوجه می‌شوند که بار دیگر به سوی روزهای کودکی و تجربه‌های آن دوران بازگشته‌اند و اشعارشان دارای زمینه‌های ویژه‌ای است که بیش از هر چیز از خاطرات دوران کودکی آن‌ها مایه می‌گیرد.» (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۳۷)

موضوعاتی که در شعر کودک طرح می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. مفاهیمی که از دل این درون‌مایه بیرون می‌آید، نقش اساسی در میزان تأثیر بر مخاطب اثر دارد، لیکن یکی از ابعاد مهم ادبیات کودک و نوجوان بعد محتوایی آن است و شاید همین اهمیت باعث شده که محققان و شاعران در تعریف شعر کودکان و نوجوانان بر جنبه‌اندیشگی و فکری آن بیشتر از جنبه‌های فرمی و زیبایی‌شناسانه آن تأکید کنند. «در شعر کودک و نوجوان توجه به چگونگی استفاده شاعران از معانی و مضامین رایج در ادبیات و خلق مضامین و معانی تازه که در محور عمودی شعر موجب ایجاد برجستگی هنری می‌شود، قابل تأمل است، زیرا کوشش در جهت آفرینش مضامین و معانی بکر، لطیف، ارزشمند و والا نوعی شگرد هنری در خدمت گسترش دامنه معنایی و آفرینش زیبایی در این محور است.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۴۱۴) با توجه خاص به مضمون و درون‌مایه در شعر کودک می‌توان بسیاری از اهداف آموزشی، تربیتی، دینی و فرهنگی را محقق گردانید. از دیدگاه کیانوش مضامین شعر کودک «اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح اوست، گسترنده ذهن اوست و نگاه‌دارنده او در مسیر سلامت که طبیعت او را ارزانی داشته است.» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

### مفاهیم اجتماعی و تربیتی در شعر کودک

تعلیم، آموزش و تربیت از مهم‌ترین مسائلی هستند که هر جامعه‌ای را می‌تواند ساماندهی و نظام‌دهی کند و کودکان را از همان طفولیت افرادی مسئولیت‌پذیر در جامعه برای ایفای نقششان بار بی‌آورد و پرورش دهد. انسان شدن و به خصایص آن دست یافتن، جز از راه تربیت سالم امکان‌پذیر نیست؛ تربیتی که به کلیت رفتار انسانی توجه دارد و بهره‌گیری از زندگی سالم را جزء اهداف خود می‌داند. کودکان و نوجوانان به تعالیم و آموزش‌های متنوع و متفاوت و البته مفیدی برای ورود به دوران بزرگسالی نیاز دارند. همین تعالیم و آموزش‌ها هستند که یک فرد را برای زندگی در آینده آماده می‌کنند. «از دیدگاه فارابی رسالت تربیت، پروراندن انسانی ایده‌آل است که پرورش عقلانی و اخلاقی یافته و در پیشبرد آرمان و سعادت جامعه مؤثر است.» (کسای، ۱۳۸۳: ۵۹۲) «ابن‌سینا نخستین کسی بود که به‌صورت نظام‌مند درباره آموزش و پرورش کودکان سخن گفته است. از نظر وی هدف آموزش کودک رسیدن به ایمان و اخلاق نکو و رفتارهای پسندیده است.» (سلامی، ۱۳۹۵: ۱۱۷) غزالی دل کودک را به جهت نقش‌پذیری و تأثیرپذیری مانند موم و زمین مستعد کشت می‌داند که از هر جهت آماده و قابل تعلیم و تربیت است: «بدان که کودک امانتی است در دست مادر و پدر و آن دل پاک وی چون گوهری نفیس و نقش‌پذیر است، چون موم و از همه نقش‌ها خالی است؛ چون زمینی پاک است که هر تخم که در وی افکنی بروید. اگر تخم خیر افکنی به سعادت دین و دنیا برسد و مادر و پدر و استاد در آن شریک باشند و اگر برخلاف این باشد بدبخت شود و ایشان در هر چه بر وی رود، شریک باشند.» (غزالی، ۱۳۷۲: ۲۷)

مهم‌ترین مضامین و درون‌مایه‌های شعر کودک در دوره معاصر شامل مضامین و مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی است. آموزش مسائل مهمی از مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی از قبیل: نوع دوستی، صلح‌طلبی، همدلی، مهرورزی، مدارا، همکاری، تلاشگری، احترام به بزرگ‌تر، صداقت، وطن دوستی و ... نقش انکارناپذیری در شکل دادن به شخصیت، ذهن و جهان‌بینی کودک دارد و زمینه‌های لازم را برای جامعه‌پذیری کودک فراهم می‌سازد. «اسدالله شعبانی معتقد است شعر کودکان علاوه بر عناصر متعارف شعری به‌لحاظ اینکه عمدتاً هدف‌های آموزشی و تعلیمی را برعهده دارد و مفاهیم تربیتی، اجتماعی، رفتاری را از صافی خود می‌گذراند، از ویژگی‌هایی برخوردار است که در شعر بزرگسالان مطرح نیست.» (سیدآبادی، ۱۳۸۰: ۳۴)

## تحلیل محتوای اجتماعی و تربیتی اشعار افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی و جعفر ابراهیمی

افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی و جعفر ابراهیمی به‌عنوان شاعران معاصر کودک سعی کرده‌اند تا از شعر به‌عنوان ابزاری در جهت انتقال پیام‌ها و ارزش‌های پسندیده اجتماعی بهره‌گیرند و بسیاری از مضامین تربیتی و اجتماعی را در بطن آن مطرح نمایند. این شاعران تلاش کرده‌اند تا با مطرح کردن بسیاری از ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی با زبانی غیرمستقیم زمینه تفکر و ارزیابی را در ذهن معصومانۀ کودک فعال و فرصت تجربه‌اندوزی و کسب بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را برای او مهیا سازند. در این مجال با آوردن نمونه‌های شعری به بررسی و بازتاب برخی از مؤلفه‌های مهم و پرکاربرد اجتماعی و تربیتی در آثار و اشعار کودکان سه شاعر یاد شده می‌پردازیم.

### همدلی

همدلی یکی از توانایی‌های هیجانی مهم است که نشانه‌ها و نمودهای آن از اوایل کودکی آغاز می‌شود و به تدریج با گسترش توانایی‌های زبانی، بیان احساس‌های همدلانه در شکل کلامی نمایان می‌شود. کودکانی که همدلی بیشتری دارند، نسبت به دیگران مهربانی و رفتارهای مراقبتی بیشتری دارند، لیکن آموزش همدلی توانایی‌های همدلانه و اجتماعی را بهبود می‌بخشد و منجر به پیامدهای مثبت می‌شود. این مفهوم یکی از برجسته‌ترین مفاهیمی است که در ادبیات کودک و نوجوان بسامد بالایی دارد و در محور عاطفی و تربیتی شعر کودک قابل بحث است.

«عروسک مانده تنها/نشسته توی خانه/نکرده موی او را/کسی در خانه شانه/دلش خیلی گرفته/نشسته پشت پرده/برای لاله انگار/ کمی هم گریه کرده/نمی‌داند که لاله/شده شش ساله حالا/نمی‌داند که رفته/بخواند درس خود را/عروسک جان چه می‌شد/تو هم شش ساله بودی/خودت هم در دبستان/کنار لاله بودی

(شعبانی، ۱۳۷۵: ۳)

در شعر فوق همذات‌پنداری کودک در پنداشتن حالات مشابه برای خود و اشیاء (عروسک) و حس همدلانه با او محور اصلی زیبایی‌آفرینی است. «از آنجا که کودکان در مرحله خودمیان‌بینی و جاندارپنداری هستند، فاقد توانایی قائل شدن حدومرز بین خود و محیط می‌باشند. آن‌ها کل جهان را زنده و سرشار از احساس درک می‌کنند.» (کریمی، ۱۳۷۶: ۲۸) این ویژگی نشانگر ارتباط حسی کودک با عناصر و اجزای طبیعت است.

«در حیطه دید کودک همه چیز بیشتر از آن جان دارد که ما بزرگسالان می‌پذیریم. از دید او حتی جماد سخن می‌گوید و سخن می‌شنود، حرکت می‌کند و به حرکت وامی‌دارد.» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۹۷) لذا شاعر کودک دامنه گسترده‌ای از جمادات و نباتات و اشیا را در اختیار دارد که مخاطب به‌خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط مؤثر رابطه تنگاتنگی با خصلت «جاندارپنداری» کودک دارد. در مثال زیر شاعر با استفاده از ساخت تصویرهای ذهنی مبتنی بر همانندپنداری مقصود خود را که همانا همدلی و مهرورزی است، هنرمندانه بیان کرده است:

«من جوجه‌ای خوش‌رنگ دارم/او توی جعبه دانه دارد/یک گربه هم دارم ولی او/با جوجه‌ام کاری ندارد/ماشینی است این جوجه/ من/یعنی که او مادر ندارد/اما همیشه مادر من/گندم برایش می‌گذارد/دیشب زن همسایه ما/می‌گفت: من یک مرغ دارم/من جوجه‌ام را دیگر از صبح/پهلوی مرغش می‌گذارم

(شعبانی، ۱۳۷۵: ۲۱)

شاعران کودک تلاش کرده‌اند به تناسب خصوصیات شخصیتی و ویژگی‌های روحی و روانی مخاطب حس همدلی را در او برانگیزند و به پرورش احساسات همدلانه در کودک بپردازند. در شعر زیر مفهوم همدلی در قالب شخص و به صورت غیرمستقیم به

مخاطب انتقال می‌یابد:

«پدر و مادر من/هر دو خوش اخلاقند/قهر یا دعوا را/زشت و بد می‌دانند/یک شب اما آن‌ها/قهر کردند از هم/خانه کوچک ما/شد پر از غصه و غم/گریه کردم آن شب/زود هم خوابم برد/گریه‌ای در خوابم/جوجه‌ای را می‌خورد/من پریدم از خواب/مادرم آب آورد/بعد بوسید مرا/پدرم نازم کرد/صبح دیدم مادر/باز هم خوشحال است/پدرم آمد باز/بر سر سفره نشست»

(ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۹)

کودکان احساسات و عواطفی را بهتر درک می‌کنند که فاصله زیادی با احساسات و عواطف خودشان نداشته باشد و حداقل زمانی خود، آن‌ها را تجربه کرده باشند. در این شعر راوی در بیان قصه دل‌تنگی خویش با کلاغی تنها همانندپنداری می‌کند و این حس مشترک معنی مورد نظر را تقویت می‌نماید:

«آسمان آبی و صاف/و هوای دل من بارانی است/جز کلاغی که لب پرچین است/هیچ کس اینجا نیست/می‌شوم خیره به چشمان کلاغ/می‌خزد توی دل غمگینم/غم پنهان کلاغ/من و او تنهاییم/با غروبی که به رنگ دل ماست/او به اندازه من غمگین است/از نگاهش پیداست»

(شعبان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۲۳)

## صلح‌طلبی

صلح هم‌معنای لغت آشتی و به معنای مقابل جنگ است که یک آرمان جهانی تلقی می‌شود. صلح‌طلبی ریشه عمیقی در فرهنگ ما دارد. تمام تلاش بشریت از بدو تولد تا لحظه مرگ سازش و صلح‌جویی است. مفهومی که از همان کودکی باید آن را آموخت و حس کرد، لیکن از مسئولیت‌های مهم یک شاعر است که چنین مفهومی را به زیبایی و سلاست در شعر خود مطرح کند. صلح‌طلبی یکی از بارزترین و مهم‌ترین مفاهیمی است که در اغلب شعرهای سه شاعر مورد بحث کاربرد دارد.

این مفهوم در آثار شعبانی‌نژاد بسامد بالایی دارد. او سعی می‌کند از زبان شعری برای بیان مفهومی والا مانند صلح‌طلبی وام بگیرند و در هر فرصتی به خواننده خود خاطر نشان کند که صلح و آشتی و مهرورزی ارزشمند و قابل تحسین است:

«درخت را نگاه/که روی شانه‌های کوه/چه باشکوه/گشوده بالی از گیاه/به سوی مهر/به سوی ماه/درخت را نگاه/که پرچمی برای صلح و دوستی/به دست ماست/شکست او/شکست ماست

(شعبانی، ۱۳۸۴: ۱۲)

گاهی شاعر با به‌کارگیری توصیفات و تشبیهات و حس‌آمیزی‌های متعدد و زیبا و با سوق دادن نگاه مخاطب به سمت عناصر و اجزای طبیعت حس صلح‌طلبی را در او برمی‌انگیزد. او بار عاطفی اشعارش را بالا می‌برد تا آموزشی که می‌دهد، محسوس و قابل درک باشد:

«زندگی زیباست، مانند زمین/زندگی زیباست، مثل آسمان/می‌توان این شعر را هر روز خواند/زندگی زیباست چون رنگین‌کمان/می‌توان بر آسمان‌ها تکیه زد/می‌توان روی زمین تنها نبود/توی گوش سنگ‌ها هم می‌توان/شعر خوب دوستی‌ها را سرود/می‌توان با شاپرک‌ها دوست شد/روی گل‌ها، بی‌صدا پرواز کرد/می‌توان در چشم‌ها هم خنده ریخت/اخم تلخ چشم‌ها را باز کرد»

(ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۶)

با در سروده زیر که شاعر از عناصر طبیعت برای ملموس‌تر کردن و القای بهتر شعر خود به کودک بهره گرفته است. او در این شعر دست به نمادگرایی زده است و با الهام از کوه و دشت و نسیم و آسمان نقش صلح و دوستی را در هر دوره از زندگی کودک بااهمیت و تأثیرگذار جلوه داده است:

«کوه‌ها را ببین چه آرامند/آسمان را چگونه می‌بوسند/سربلند ایستاده‌اند آنجا/گرم و آرام، مثل یک لبخند/جویباری که آن طرف

جاریست/می‌کند زمزمه برای نسیم/آسمان و نسیم و سبزه و دشت/همه باهم چه دوستی دارند/دوستانی که مهربان هستند/در دل هم بهار می‌کارند.»

(ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۲۴)

چنانچه اشاره گردید «درک کودک از محیط فیزیونومی و شهودی است؛ درکی سرشار از زندگی و احساس؛ درکی جان‌پندارانه که همه عناصر جهان را زنده احساس می‌کند. کودک از طریق هوش فیزیونومی خود به راحتی می‌تواند از سطح اشیا و پدیده‌ها عبور کرده، با لایه‌های درونی آن‌ها تماس روحی و حسی بگیرد.» (کریمی، ۱۳۸۳: ۵۳) سروده زیر حاکی از توجه شاعر به این جنبه از خصلت و ویژگی مخاطب است و با بیان عاطفی خود به صورت غیرمستقیم قصد دارد تا مسئله صلح جویی را برای مخاطبش عرضه کند: «دوست دارم که پر از گل بشوم/مثل یک باغ پر از یاس سفید/پر شوم از چمن و سبزه و گل/خام شود روی سرم شاخه بید/گاه‌گاهی که نسیمی سبک از/گوشه باغ دلم می‌گذرد/یک سبد خنده به دستش بدهم/هر کجا می‌رود آن را ببرد/دوست دارم همه را باغ کنم/عطر گل پخش کنم توی هوا/غصه را پرپر و پژمرده کنم/گل لبخند بکارم همه جا»

(شعبان‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۶)

## نوع دوستی

نوع دوستی و مهربانی با هم‌نوع از جمله مفاهیم والای انسانی و اجتماعی است که همواره مورد توجه بوده و در اشعار کودکانه شاعران به اشکال مختلف ترسیم شده است. به گونه‌ای که هر شاعری درصدی از این مفهوم را در عمیق‌ترین و ملموس‌ترین شکل خود در شعرهایش بگنجانند و در قالب زبان شعری به مخاطبش انتقال دهد تا کودک بتواند از دنیای فردی و محدود خود فراتر رفته و به درکی عمیق‌تر و گسترده‌تر نسبت به دنیای پیرامونش نائل آید. پرورش روح نوع دوستی و انتقال این مضمون مهم به کودک می‌تواند از همان عنفوان رشد و شکل‌گیری شخصیت تأثیری شگرف بر اعتقادات و دیدگاه‌های او داشته باشد؛ مسئله‌ای که در این بین حتی نوع جهان‌بینی کودک را نیز تا همیشه تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

«وقتی که باهم باشیم/دنیا قشنگ است/دنیای ما بچه‌ها/رنگ و وارنگ است/یکی به رنگ آبی/چون آسمان‌ها/یکی به رنگ سرخ است/لاله صحرای یکی به رنگ زرد است/زردی آفتاب/یکی به رنگ نارنج/تازه و شاداب/یکی به رنگ نیلی/نیلی دریا/یکی بنفشه رنگ است یک گل زیبا/اما همه رنگ و وارنگ/چه مهربانیم/در آسمان رنگ‌ها/رنگین‌کمانیم.»

(شعبانی، ۱۳۸۱: ۹)

در مثال فوق شاعر با یک‌سری نمادها و موتیف‌ها سعی در آموزش مهربانی و نوع دوستی به مخاطبانش دارد. او می‌کوشد تا با شیوه‌ای نمادین کودک را به سمت و سوی نوع دوستی و به فکر دیگران بودن سوق دهد.

در شعر زیر نیز شاعر کودک را با بیان توصیفی و روایتی از یک وضعیت روبه‌رو می‌کند و کودک از اینکه «آدم برفی» در سرما بیرون مانده و او در خانه و زیر کرسی خوابیده ناراحت است و آرزو می‌کند آدم برفی هم دور از سرما بود. در این نمونه عنصر عاطفه نقش اصلی را در تقویت محور معنایی شعر برعهده دارد و شعر با بار عاطفی مناسب که القا می‌کند، روح نوع دوستی را در کودک پرورش می‌دهد: «دوستم در کوچه/توی سرما مانده/من در اینجا هستم/او در آنجا مانده/کوچه اما شب‌ها/سرد و یخبندان است/دوستم تا فردا/آه، یخ خواهد بست/کاش می‌شد او هم/مثل من اینجا بود/گرم می‌شد اینجا/دور از سرما بود/دوستم آرام است/آدم بی حرفی است/همه جایش از برف/اسمش آدم برفی است»

(ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۱۳)

نوع دوستی و کمک به هم‌نوع در اشعار افسانه شعبان‌نژاد نمود بیشتری دارد و یکی از مواردی است که او به صورتی برجسته به طرح آن پرداخته است. شعبان‌نژاد سعی می‌کند تا احساسات و عواطف انسانی را در وجود کودکان رشد و گسترش دهد و به

آنان بیاموزد تا نسبت به هم‌نوعان خویش بی‌تفاوت نباشند. مسئله‌ای که در نوع خود می‌تواند هنری باشد برای درنوردیدن مرزهای شخصی و رسیدن به احساسی سازنده و همه‌جانبه که در آن کودک دیگران را نیز درک می‌کند و تنها به خود نمی‌اندیشد: «می‌توان مانند آبی صاف و پاک/از لب یک چشمه تا دریا رسید/ابر شد بالای بالا رفت و بعد/بر لب خشکیده صحرا چکید/ می‌توان با دست خود یک لانه ساخت/سایبان جوجه‌های بیچاره شد/می‌توان در فصل سرما فصل برف/وصله‌ای بر کفش‌های پاره شد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۷)

در مثال زیر شاعر خواهان آن است تا در اشعارش حس نوع‌دوستی را در وجود کودک نهادینه کند و به‌صورت فراگیر در جامعه ترویج دهد. او حتی به‌زیبایی نوع‌نیاز را هم با تمثیلی زیبا-انداختن شال روی پیچک تنها- به کودک آموزش می‌دهد که می‌تواند به هم‌نوع نیازمند خود کمک کند:

«من ته باغ کسی را دیدم/که به دستش سبدی عاطفه داشت/داشت در پای چناری غمگین/تخم آواز قناری می‌کاشت/دیدم او را که در آن گوشه باغ/دست بر گردن گل‌ها انداخت/سوز می‌آمد و او شالش را/روی یک پیچک تنها انداخت/دست یخ بسته او را «ها» کرد/وقتی از باغ جدا شد دیدم/صورتش خیس و دلش غمگین است/سبد عاطفه‌اش را بخشید/به کلاغی که لب پرچین است» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۴)

## روحیه تلاشگری

پیوند تلاش و کوشش با زندگی ناگسستنی است و این دو در کنار هم قرار دارند. به‌عبارتی دیگر تلاش خود زندگی و داشتن احساس رضایت‌خاطر حاصل پشتکار و تلاش و کوشش مداوم در زندگی است. مقوله‌ای که در ادبیات کودک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شاعران کودک در ضمن پرداختن به عناصر شعری و به شکل غیرمستقیم به تقویت روحیه تلاشگری در مخاطب پرداخته و آن‌ها را به سعی و تلاش و کوشش توصیه و تشویق نموده‌اند.

در شعر زیر شاعر به‌صورت غیرمستقیم به مخاطب این آموزش را می‌دهد که برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات باید به تلاش و کوشش بپردازد و از روحیه تلاشگری برخوردار باشد. وی با بیان وضعیت خود و رنج و سختی‌هایی که در زندگی متحمل شده است، به نوعی گریزی به یک نکته آموزشی زده است و می‌خواهد به کودکان بیاموزد که با تلاش و زحمت است که می‌توان به نتیجه و اهداف خود دست یافت:

«هم کارگر هم کارمند/هم شاعر و آموزگار/هم فکر کار و بار خویشم/هم بچه‌ها را دوست دارم/تا می‌توانستم خودم را/رنگین و آهنگین سرودم/با رنج و سختی، فقر و قحطی/دنبال لبخندی دویدم/هرگز کتاب کودکی را/هرگز لباس نو ندیدم/کفش قشنگی پا نکردم/هی تکه‌تکه کار کردم/اکنون تمام هستی من/دست‌های کودکان است/با دست‌های کودکانم/دنیا پر از رنگین‌کمان است» (شعبانی، ۱۳۸۴: ۶)

ابراهیمی از جمله شاعرانی است که سعی می‌کند تا موضوع تلاش و کوشش را با زبانی کودکانه و تأثیرگذار در اشعارش منعکس کند. او در شعری با عنوان «برزیرگر کوچک» تصویر کودکی را به نمایش می‌گذارد که مشغول کار در مزرعه است و تلاش می‌کند: «دست‌های پینه بسته‌اش/بوی یونجه‌زار می‌دهد/خنده‌های کودگانه‌اش/بوی نوبهار می‌دهد/در نگاه مهربان او/بوی خواب دیده می‌شود/گویی عکس او ز خستگی/توی آب دیده می‌شود/کودک است و مثل مردها/روی خاک کار می‌کند/یونجه می‌کند درو و بعد/ روی اسب بار می‌کند»

(ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۶)

همچنین شعبان‌نژاد در شعر «زیر سقف آجری» به بازتاب کار و تلاش و کوشش کودک در کوره‌پزخانه می‌پردازد و خستگی ناشی از کار سخت و تلاش و پشتکار را مطرح می‌نماید:



«باز مثل همیشه مشغولم/خسته پهلوی کوره‌پزخانه/کاش می‌شد که من در این گرما/بروم توی سایه در خانه/آجری را که می‌پزیم امروز/باز یک خانه می‌شود فردا/خستگی‌های دست ما روزی/می‌شود سقف خانه‌ای زیبا.»

(شعبان‌نژاد، ۱۳۶۹: ۱۶)

## وطن‌دوستی

وطن‌دوستی یا میهن‌پرستی مفهومی است معطوف به عشق و دلبستگی به میهن و مردم و دفاع از هویت قومی-ملی و فرهنگی آن ملت. مضمونی که یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های مستمر در ادبیات معاصر محسوب می‌شود و پرداختن به آن در ادبیات کودکان نیز نمود پیدا کرده است. سروده‌های وطنی و اشعار ملی-میهنی در حوزه ادبیات کودک، سروده‌های مهم و تأثیرگذاری هستند که باعث شکل‌گیری هویت و ملیت مخاطب شده و حس میهن‌دوستی را به او انتقال می‌دهند.

این مفهوم از مفاهیم پرکاربرد در اشعار اسدالله شعبانی است. وی در بیشتر اشعار وطنی که می‌سراید، نمادهای وطنی را نیز همراه آن‌ها می‌آورد. شاعر از این نمادها برای برانگیختن و تجلی احساسات میهن‌پرستانه و ستایش سرزمین مادری در شعرهایش استفاده می‌کند و این نمادها با توجه به قلمرو همین احساسات تفسیر می‌شوند. برای مثال در نمونه زیر شعبانی با نمادهایی همچون «صنوبر» و «الوند» در قالب تشبیهات و استعاره‌هایی زیبا سعی در بیان احساس قلبی خود نسبت به وطن است:

«ای صنوبر، صنوبر/ای درخت تناور/ریشه در خاک داری/تاج خورشید بر سر/آسمان تو آبی/ساده و با شکوه است/هم‌زبان تو چشمه/همنشین تو کوه است/سایه‌ات بر سر من/سایه نیکبختی/می‌شود بر من آسان/با تو هر رنج و سختی/ای صنوبر، صنوبر/تک درخت منی تو/توی دستان الوند/پرچم میهنی تو»

(شعبانی، ۱۳۷۴: ۸)

یا در این سروده که با درون‌مایه میهنی است، شاعر به نوعی یک نوع احساس میهن‌دوستی را بیان می‌دارد و کوشش می‌کند با ترکیب زبان شعر و محتوای آموزشی درواقع عشق به میهن و عناصر فرهنگ ملی و تاریخی ایران را در ذهن کودکان جای دهد تا به سرزمین و فرهنگ خودشان علاقمند باشند:

«زیبا زیبا زیبایی/ای ایران/میهن خوب مایی/ای ایران/هم کوه و جنگل داری/هم صحرا/هم باغ و بستان داری/هم دریا/هرجای تو قشنگ است/سرتاسر/تو مهربان با مایی/چون مادر/من یک دنیا خاکت را/دارم دوست/من این خاک پاکت را/دارم دوست»

(شعبانی، ۱۳۹۳: ۴)

جعفر ابراهیمی نیز به عنوان شاعری که عرق ملی دارد، به نوبه خود موضوع عشق به وطن را در شعرش مطرح می‌سازد و کودک را تشویق به ساختن میهنی شاد و آزاد و آباد می‌کند:

«هوا خبر می‌دهد/آمده فصل بهار/چه سبز و زیبا شده/برگ درخت چنار/به روی هر شاخه‌ای/پرنده خواند آواز/انسیم نوبه‌اری/دوباره می‌زند ساز/حالا که دشت و صحرا/یکسره گشته آباد/بیا باهم بسازیم/میهنی شاد و آزاد.»

(ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۳)

در نمونه دیگر شاعر با تصویرسازی که دارد، از زبان کودک به نوعی یک نوع احساس میهن‌دوستی را بیان می‌دارد:

«خواهرم گفت: ایران/کشور و میهن ماست/مادرم گفت: ایران/بهترین جای دنیاست/بعد از او خواهرم گفت: پرچم ما سه رنگ است/مادرم گفت: آری/رنگ‌هایش قشنگ است/نیست در هیچ جایی/بهتر از پرچم ما/سبز و قرمز، سفید است/من خودم گفتم این را»

(ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۱۰)

و در سروده زیر شعبان‌نژاد به بازتاب رخدادهایی چون ورود امام به میهن و جریان انقلاب اسلامی پرداخته است. او در شعرش

شور و شادی مردم در روز ورود امام به میهن را به خوبی به نمایش می‌گذارد و از این طریق حس وطن‌دوستی را در مخاطب برمی‌انگیزد:

«وقتی که تو آمدی دوباره/از هر طرفی سپیده سر زد/در باغ شکوفه شد شکوفا/پروانه به سوی غنچه پر زد/در خانه و کوچه و خیابان/گل‌های قشنگ خنده رویید/گیسوی قشنگ سبزه آن روز/با دست نسیم شانه می‌شد/باغ دل ما ز دیدن تو/سرسبز و پر از ترانه می‌شد»

(شعبان‌نژاد، ۱۳۶۹: ۲۰)

## نتیجه‌گیری

شاعران کودک و نوجوان ایران از میان انواع ادبی بیشتر به ادبیات تعلیمی و مفاهیم تربیتی توجه نشان داده‌اند. این مفاهیم بازتاب گسترده‌ای در ادبیات کودک و نوجوان داشته است و از دیرباز محور توجه شاعران کودک بوده و در دوره معاصر نیز بیشتر شاعران حوزه ادبیات کودک در جهت پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی تلاش کرده‌اند. اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و افسانه شعبان‌نژاد از مشهورترین شاعران معاصر این حوزه هستند که به مضامین و محورهای تعلیمی در آثارشان توجه داشته‌اند. در پژوهش پیش رو آثار و اشعار این سه شاعر از منظر میزان توجه به مفاهیم و آموزه‌های تعلیمی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و نمونه‌های شعری مربوط به این مقوله در آثار آن‌ها استخراج گردید. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون: همدلی، صلح‌طلبی، نوع‌دوستی، روحیه تلاشگری و وطن‌دوستی از جمله مفاهیمی هستند که هسته مرکزی بسیاری از اشعار کودکانه این شاعران را تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که هر سه شاعر این مفاهیم را با زبان شعری و لحنی کودکانه و به شیوه‌ای غیرمستقیم در اشعار خود انعکاس داده‌اند. براساس بررسی انجام یافته، مؤلفه «همدلی» با ۰.۳۴٪، در اشعار جعفر ابراهیمی، «نوع‌دوستی» با ۰.۳۳٪، در آثار افسانه شعبان‌نژاد، «صلح‌طلبی» با ۰.۳۵٪ و «وطن‌دوستی» با ۰.۲۲٪، در اشعار اسدالله شعبانی، و مؤلفه «تلاشگری» با ۰.۱۹٪، به‌طور مشترک در آثار جعفر ابراهیمی و اسدالله شعبانی از بسامد بالایی برخوردار است.

### فراوانی مؤلفه‌های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران مورد مطالعه

عناصر شاعر	همدلی	نوع‌دوستی	صلح‌طلبی	تلاشگری	وطن دوستی
اسدالله شعبانی	۰.۳۱٪	۰.۲۶٪	۰.۳۵٪	۰.۱۹٪	۰.۲۲٪
جعفر ابراهیمی	۰.۳۴٪	۰.۲۷٪	۰.۳۰٪	۰.۱۹٪	۰.۱۸٪
افسانه شعبان‌نژاد	۰.۲۹٪	۰.۳۳٪	۰.۲۶٪	۰.۱۱٪	۰.۰۸٪

## منابع

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۷۲). *آواز بویک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). *مثل یاس*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *گل‌های خنده*. تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *بوی گنجشک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *سبزیپوش مهربان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اسکلتن، رایبن. (۱۳۷۵). *حکایت شعر*. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۷). *بنیادهای ادبیات کودک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). «اسطوره و ادبیات کودک». روشنان. ش ۶. صص ۳۳-۲۲.
- \_\_\_\_\_ . خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۷۸). *دیگرخوانی‌های ناگزیر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . رضی، احمد. (۱۳۹۱). «کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی». *ادبیات تعلیمی*. ش ۱۵. صص ۹۸-۱۹.
- \_\_\_\_\_ . سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . سلامی، مسعود. (۱۳۹۵). «سیری در ادبیات تعلیمی کودکان ایران». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. ش ۳۷. صص ۱۲۱-۱۰۳.
- \_\_\_\_\_ . سیدآبادی، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). *شعر در حاشیه*. تهران: ویژه نشر.
- \_\_\_\_\_ . شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۶۹). *پونه‌ها و پروانه‌ها*. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴). *جشن گنجشک‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴). *شیشه‌آواز*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۵). *یک کاسه شبنم*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . شعبانی، اسدالله. (۱۳۷۴). *ساز شاخه‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۵). *پولک ماه*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶). *عصا و اسب چوبی*. تهران: نشر فردا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). *رنگین کمان کودکان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴). *زمین ما، دل ما*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳). *ای میهن من ایران*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- \_\_\_\_\_ . شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). *انواع ادبی*. تهران: باغ آینه.
- \_\_\_\_\_ . غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد. (۱۳۷۲). *کیمیای سعادت*. تصحیح حسین خدیوچم. تهران: علمی فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . کسای، نورالله. (۱۳۸۳). *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ . کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۳). *کودکی بازیافته*. تهران: عابد.
- \_\_\_\_\_ . کیانوش، محمود. (۱۳۷۹). *شعر کودک در ایران*. تهران: آگاه.
- \_\_\_\_\_ . محمدبیگی، ناهید. (۱۳۸۹). *رازگویی ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: ترفند.
- \_\_\_\_\_ . یمینی شریف، عباس. (۱۳۷۱). *نیم قرن در باغ شعر کودکان*. تهران: روش نو.